

غرب گرایی در موسیقی قاجار

۲۹ تیر ۱۳۹۴ ساعت ۱۹:۵۳

موسیقی در جامعه ایران و در بیشتر دوره‌های تاریخی به خصوص از دوره صفویه به این سو، پایگاه و منزلت والایی نداشته است، چراکه مردم جامعه به نوازندگان و هنرشان اعتبار و بهای زیادی نمی‌دادند و آنان را پست و حقیر و عمله طرب را وسیله لذت می‌شمردند

شاهان و بزرگان از این گروه هنرمند بیشتر در مجالس میگساری و بزم و شادی‌های خود استفاده می‌کردند. تاریخ نشان می‌دهد راحت طلبی و عیش دوستی و علاقه به تشریفات در دوره پادشاهان قاجار به ویژه فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه و توجه آنان به رشته‌های هنری شعر، موسیقی و... باعث تغییر و تحول در این دوره شد. این دوره را باید چرخشگاهی در تاریخ موسیقی ایران شمرد، زیرا در این دوره است که موسیقی مانند هنرهای دیگر پس از دو قرن رونهان کردن دوباره جلوه می‌کند و در دربار شاهان قاجار و نیز در میان توده مردم جایگاهی برای خود می‌یابد.

دکتر هوشنگ شهابی در این باره می‌نویسد: همانطور که می‌دانیم امروزه هنر موسیقی ایرانی متبلور از دوره قاجار (۱۷۹۴-۱۹۲۵ م) است، یعنی دوره ای که در آن ایران برای اولین بار به طور مداوم با غرب ارتباط داشت. اما پس از آنکه در سال ۱۹۰۶ م. تحت تاثیر انقلاب مشروطه، مذهب سازمان یافته ضعیفی اتفاق افتاد موسیقی تنها می‌توانست در فضاهای عمومی پدیدار گردد. هاله ای از مخالفت ها باعث باز داشتن ایرانیان از توسعه سنت غنی موسیقی ایرانی شد. برخی از سبک های هنر موسیقی به اکراه مورد پذیرش واقع شدند و یا حتی شنیدن آنها توسط برخی از علما مباح اعلام شد و این سبب شد تا مهارت موسیقی برای انواع موسیقی مجاز و غیر مجاز توسط همان هنرمندان زنده نگه داشته شود. در پایان قرن نوزدهم، موسیقی در ایران در پنج محیط ترویج شد: دربار سلطنتی (تقلید شده توسط خانوار اشرافی)، ارتش، فرقه های صوفیانه، نمایشنامه های تعزیه و روزه خوانی برای امام حسین و ورزشگاه های سنتی شهری ایران یا همان زورخانه ها. علاوه بر این، نوازندگان حرفه ای (مطرب ها) که اغلب یهودی بودند در مراسم عروسی، مراسم ختنه سوران و سایر جشن ها نوازندگی می کردند. در نواحی روستایی نیز، موسیقی محلی به سبب حضور کم رنگ مذهب، از نفوذ بیشتری برخوردار بود.

گرچه هنر موسیقی ایرانی از سنت مقام موسیقی خاورمیانه بهره می برد. با این حال، به نظر می رسد عملکرد حقیقی آن از چارچوب نظری ارائه شده توسط مقام ها دور شد و بنابراین در قرن نوزدهم اصلاحاتی صورت گرفت که نظریه را به حقیقت تبدیل کرد. بدین ترتیب، در نیمه دوم قرن نوزدهم، مجموعه ای از ۳۰۰-۴۰۰ قطعه سنتی، گوشه ها، که در مجموع ردیف نامیده می

شود به گروه‌های هفتایی (یا ۱۲ تایی) که به عنوان دستگاه‌ها شناخته می‌شوند، تقسیم شدند و هر یک معرف نوای خاصی بود. پیچیدگی دستگاه‌ها بدون در نظر گرفتن مقام‌ها، یک سیستم موسیقی منحصر به فرد ایرانی را ایجاد می‌نمود که شاید این مسئله متأثر از ملیت‌گرایی رو به رشد قرن نوزدهم بود.

اما بجز استثناهای اندکی، موسیقی در ملا عام اجرا نمی‌شد و به صورت یک امر خطرناکِ محرمانه و پنهانی در سراسر قرن نوزدهم باقی ماند. چراکه تولید و فروش آلات موسیقی به واسطه قوانین مذهبی ممنوع بود که این امر منجر به تجارت این ابزار توسط یهودیان گردید. لذا فروشگاه‌های موسیقی در مناطق یهودی تهران و شیراز واقع شد. برای عبور و مرور در ملاء عام، نوازندگان مجبور بودند سازهای خود را زیر لباس‌های (رداها) خود مخفی کنند، در غیر این صورت توسط متعصبانی که آلات موسیقی را در هم می‌شکستند مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتند. «ابوالقاسم عارف» خواننده، آهنگساز و شاعر معروف ایران، در زندگینامه خود می‌نویسد که به دلیل مخالفت گروهی، در سال‌های قبل از انقلاب مشروطه، تعداد بسیار کمی ابزار موسیقی در خانه او در شهر قزوین یافت می‌شد و حتی در مراسم ازدواج وی، مرثیه خوانی (روضه خوانی) برای امام حسین (ع) جایگزین موسیقی شده بود. در چنین شرایط نامساعدی، نوازندگان حرفه‌ای همانند دیگر نوازندگان مسلمان در شرق میانه از موقعیت اجتماعی پایینی برخوردار بودند. این نگرش اجتماعی، موانع بر سر راه نوگرایان موسیقی و همچنین حقیقت ارتقاء جایگاه هنر نوازندگان و موسیقیدانان را شرح می‌دهد.

با آغاز دوره سوم قرن نوزدهم [حدود سال ۱۹۶۳ میلادی] در حالی که موسیقی سنتی و اصیل ایرانیان با پویایی هرچه بیشتر خود توسعه یافت، غربی‌ها راهی برای نفوذ به این مهم را پیدا کردند. همانند بسیاری از حوزه‌های دیگر، که پیش از این در ترکیه و مصر رخ داده بود، نفوذ غربی‌ها از طریق بخش نظامی وارد عرصه موسیقی ایران گردید. در طول سلطنت فتحعلی شاه (۱۷۹۷-۱۸۳۵) یک دیپلمات روسی به همراه گروهی نظامی وارد تهران شد. پس از آن نایب السلطنه عباس میرزا قصد راه اندازی گروهی مشابه آن را در ایران نمود، اما این تصمیم تنها در زمان سلطنت پسرش محمد شاه (۱۸۳۵-۱۸۴۸) اجرایی گردید.

در اواخر دهه ۱۸۶۰ میلادی بود که موسیقی ایران عزمی راسخ برای غرب‌گرایی داشت. هنگامی که در سال ۱۸۶۷ ناصرالدین شاه از دولت فرانسه درخواست نمود تا یک معلم موسیقی واجد شرایط را به ایران فرستاده شود و در پی این تقاضا مارشال آدولف نیل، شخصی به نام آلفرد ژان بابتیست لومر (۱۸۴۲-۱۹۰۹) را که سمت خود را از معاون موسیقی گارد امپراتور به موزیکان چپ‌بازی یعنی رهبر موسیقی نظامی ایران تغییر داد، انتخاب نمود. لومر در سال ۱۸۶۸ م. وارد ایران شد و یک شعبه موسیقی را در دارالفنون که اولین مدرسه مدرن تأسیس شده در ایران در سال ۱۸۵۱ بود، پایه‌گذاری کرد. حدود سال ۱۸۸۵ هیجده گروه نظامی سازمان یافته وجود داشت که همه‌ی آنها توسط دانش‌آموزان لومر اداره می‌شدند و این گروه‌ها بیشتر شامل اجراکنندگان موسیقی نظامی اروپاییان و آوازهای آپرا به سبک و سیاق غربی بودند. در سال ۱۸۸۶ اولین دسته نوازندگان سلطنتی تأسیس شد. گروه‌های موسیقی و ارکسترها نه تنها در مناسبت‌های رسمی دربار، مانند مجالس پذیرایی و ورود سفیران جدید، بلکه در مراسم تعزیه، عروسی و سایر جشن‌های عمومی به اجرا می‌پرداختند.

زمانی که در سال ۱۹۰۹ لومر در گذشت، شعبه موسیقی دارالفنون برای مدتی تعطیل شد، تا اینکه یکی از بهترین دانش آموزان او به نام غلامرضا خان که ملقب به سالار معزز (۱۸۶۱-۱۹۳۵) بود، در سال ۱۹۱۴ م. اداره ی آن را برعهده گرفت. سالار معزز آغازگر روندی با نفوذ بر چشم انداز هنر ایرانی تا انقلاب اسلامی بود. وی به محض فارغ التحصیلی از دارالفنون، تحصیلات خود را در سن پترزبورگ در کلاس نیکولای ریمسکی کورساکوف ادامه داد و پس از بازگشت به ایران در سال ۱۹۰۰، رهبری گروه تیپ قزاق را بر عهده گرفت. در طول انقلاب مشروطه، وی طرفدار مشروطه خواهان بود و سرود ملی جدید را برای آنها به تحریر در آورد.

منبع:

Chehabi, H. E, "From Revolutionary Tasnif to Patriotic Surd: Music and Nation-Building in Pre-World WarII Iran", British Institute of Persian Studies, Vol ۳۷, ۱۹۹۹, Pp ۱۴۳-۱۵۴. Translated by mostafa lal shateri.

منبع: قدس آنلاین

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۱۰۳۶/غروب-گرای-موسیقی-قاجار>